



اخلاق حرفه‌ای

جزوه شماره ۲ موضوع رشوه و مقابله با ارتشاء

معاونت فرهنگی - اجتماعی
سازمان تامین اجتماعی
زمستان ۱۳۹۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقوق انتشار برای معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی محفوظ است.
مطالب و نظرات بیان شده الزاما مورد تایید معاونت فرهنگی و اجتماعی نمی باشد و
مسئولیت برعهده صاحب نظر می باشد.



مقدمه

از دیرباز و بطور مستمر شنیده‌ایم که «الراشی و المرْتشی فی التّار» رشوه دهنده و رشوه گیرنده در آتش جهنم هستند. از جمله آفت‌های بسیار مهم در فرآیندهای اداری و مالی، مسئله ارتشاء می‌باشد. از جمله نکات مهم در رعایت اخلاق حرفه‌ای اجتناب از این رفتار ناپسند مالی است. متأسفانه در کشورهای جهان سوم بدلیل پایین بودن سطوح درآمد، این پدیده بصورت گسترده و شایع می‌باشد. پلیدی رشوه باعث می‌شود که اموال ناپاک و حرام البته با توجیهات گیرنده رشوه، وارد چرخه زندگی شده و مظاهر نکبت بار آن در زندگی افراد و خانواده‌ها جلوه کند.

با تشکر از همکار محترم جناب آقای دکتر محمد منصور عظیم زاده اردبیلی که در جمع‌آوری و تدوین این مجموعه تلاش وافری نموده‌اند، سعی بلیغ در این سلسله جزوات، ترویج مفاهیم اخلاق حرفه‌ای و مقابله با اخلاق رذیله اداری است. در این نوشتار با اتکاء بر منابع اصیل اسلامی، منشاء حرمت و باطل بودن رشوه، اقسام آن و اثر این مفسده بر مسائل اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. باشد که مورد استفاده همکاران و بویژه مدیران ارشد و میانی سازمان قرار گیرد. انشاء الله

با تشکر و امتنان

معاونت فرهنگی - اجتماعی

سازمان تامین اجتماعی



معنای لغوی

رشوه لفظی عربی از ریشه «ر ش و» و به سه صورت: با فتح، ضم و کسر «راء» به کار رفته است. این کلمه مفرد است و جمع آن «رُشا» یا «رِشا» (با ضم یا کسر راء) است که در فارسی به معنای پاره و مزد می باشد. در لغت نامه دهخدا ذیل واژه «رشوه» چنین آمده است: «رشوه به معنای پاره و مزد است که پاره را برای برآورده شدن کاری دهند. آنچه بر کسی دهند تا کارسازی به ناحق کند و در فارسی قدیم آن را پاره گویند.» بنابراین توضیح فرهنگ دهخدا، قبل از ورود زبان عربی به ایران، واژه «پاره» استعمال می شده است؛ ولی بعد از ورود زبان عربی، به تدریج کلمه «رشوه» جایگزین لفظ «پاره» شده است.

معانی دیگری نیز از قبیل طناب، دراز کردن گردن جوجه و رشد شاخه حنظل، برای رشوه بیان شده است که وجه مشترک تمام اقوال یاد شده، امتداد داشتن و متوسل شدن است؛ زیرا رشوه نیز نوعی توسل و دست درازی برای رسیدن به مقصود بوده که با همه اقوال ارتباط دارد.

معنای اصطلاحی

صاحب مجمع البحرین در تعریف رشوه نوشته است: «وَالرَّشْوَةُ بِالْكَسْرِ مَا يُعْطِيهِ الشَّخْصُ الْحَاكِمَ وَغَيْرَهُ لِيُحْكَمَ لَهُ أَوْ يَحْمَلَ عَلَيْهِ مَا يُرِيدُ؛ رشوه با کسر آراء چیزی است که فرد به حاکم یا غیر او می دهد تا به نفع او حکم کند یا آنچه می خواهد، آن را انجام دهد.»

ابن اثیر نیز در «النهاية» می نویسد: «الرَّشْوَةُ وَالرَّشْوَةُ الْوَصْلَةُ إِلَى الْحَاجَةِ بِالْمُصَانَعَةِ؛ رشوه و رشوه عبارت است از اینکه کسی با تبانی و پرداخت چیزی، به خواسته خود برسد.»

محمد جعفر جعفری لنگرودی در تعریف رشوه آورده است: رشوه (جزا) دادن مالی است به مأمور رسمی یا غیر رسمی دولتی یا بلدی به منظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضایی ولو اینکه آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد. خواه مستقیماً آن مال را دریافت کند و یا به واسطه شخصی دیگر آن را بگیرد. فرق نمی کند که گیرنده مال توانایی انجام کاری را که برای آن رشوه گرفته، داشته باشد یا خیر و فرق نمی کند که کاری که برای راشی باید انجام شود، حق او باشد (بر طبق قانون) یا نه.»



دلایل حرمت رشوه

واژه «أكل» با صیغه‌های گوناگون، بیش از صد مورد در قرآن کریم به کار رفته است و به معنای خوردن است. «أكل مال» در اینجا کنایه از تملک و تصرف اموال دیگران به ناحق است. روشن است که «خوردن»، هیچ خصوصیتی ندارد و تعبیر «أكل» بدان جهت آمده که خوردن مهم‌ترین نیاز انسان است و گرنه هر نوع تصرف و تملکی را چه به صورت خوردن باشد و چه به صورت پوشیدن و سکونت در بر می‌گیرد.

این آیه شریفه، مسلمانان را از یک عمل بسیار ناپسند نهی می‌کند، به آنان دستور می‌دهد در اموال و ثروت‌های یکدیگر بدون حق تصرف نکنند و از غیر طریق صحیح، مالی به دست نیاورند، نکند تصرف اموال دیگران و خوردن آن به ناحق، آنان را به سوی قضات بکشاند و چیزی به عنوان هدیه و رشوه به آنان بدهند، تا اموال مردم را به ظلم تملک کنند؛ زیرا با این کار دو خلاف بزرگ مرتکب شده‌اند: خوردن حق دیگران و رشوه دادن.

علاّمه طباطبایی رحمه الله در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید: «ادلاء (مصدر تُدَلُّوا) در چاه کردن دلو برای کشیدن آب است و منظور از آن در آیه مبارکه، رشوه دادن به حاکمان می‌باشد که کنایه لطیف و زیبایی بر این مطلب است که حکم مورد نظر رشوه دهند را به منزله آب ته چاه قرار داده که به وسیله دلو رشوه، از آن بیرون کشیده می‌شود. «فریق» قسمت جدا شده از چیزی است.»

فقهای عظام، برای بیان حرمت رشوه از چهار دلیل: قرآن کریم، سنت، اجماع و عقل استفاده کرده‌اند.

۱- مقابله با رشوه در قرآن کریم

برای اثبات حرمت رشوه از چند آیه استفاده شده است که ما در این مقال دو آیه را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبِطْلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لَتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَعْيُنِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ «و اموال یکدیگر را به باطل [و ناحق] در میان خود نخورید و برای خوردن بخشی از اموال مردم به گناه، [قسمتی از] آن را [به عنوان رشوه] به قضات ندهید، در حالی که می‌دانید [این کار، گناه است]». یعنی: اموال یکدیگر را به باطل (و ناحق) در میان خود نخورید و برای خوردن قسمتی از اموال مردم به گناه، (قسمتی از) آن را به قضات ندهید. در حالی که می‌دانید.

در این آیه مسلمانان را از یک عمل بسیار ناپسند نهی می‌کند، به آنان می‌گوید در اموال و ثروت‌های یکدیگر بدون حق تصرف نکنند، و از غیر طریق صحیح، مالی بدست نیاورند، نکند تصرف اموال دیگران و خوردن آن به ناحق، آنان را به سوی قضات بکشاند، و چیزی بعنوان هدیه و رشوه به آنان بدهند، تا اموال مردم را به ظلم تملک کنند، زیرا با این کار دو خلاف بزرگ مرتکب شده‌اند: خوردن حق دیگران، و رشوه دادن.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را نیز به خود جلب کند و خود را دوست مسلمانان معرفی نمایند؛ به همین جهت، جمعی از بزرگان یهود مدینه به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله شتافتند. آن حضرت فرمود: آیا هر چه حکم کنم، می‌پذیرید؟ آنها گفتند: به خاطر همین نزد تو آمده‌ایم. در این هنگام از سوی خداوند متعال حکم سنگباران کردن کسانی که مرتکب زنا یا محصنه می‌شوند، نازل گردید؛ ولی آنها از پذیرفتن این حکم [به عذر اینکه در مذهب آنها چنین حکمی نیامده، شانه خالی کردند!] پیامبر صلی الله علیه و آله اضافه کرد: این همان حکمی است که در تورات شما نیز آمده. آیا موافقید که یکی از شما را به داوری بطلبم و هر چه او از زبان تورات نقل کرد، بپذیرید؟ گفتند: آری.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ابن صوریا» که در فدک زندگی می‌کند، چگونه عالمی است؟ گفتند: او از همه یهود به تورات آشناتر است. هنگامی که وی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، حضرت به او فرمود: تو را به خداوند یکتایی که تورات را بر موسی علیه السلام نازل کرد و دریا را برای نجات شما شکافت و دشمن شما فرعون را غرق نمود و در بیابان شما را از مواهب خود بهره‌مند ساخت سوگند می‌دهم! بگو آیا حکم سنگباران کردن در چنین موردی در تورات بر شما نازل شده است یا نه؟ او در پاسخ گفت: سوگندی به من دادی که ناچارم بگویم: آری، چنین حکمی در تورات آمده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چرا از اجرای این حکم سرپیچی می‌کنید؟

او در جواب گفت: حقیقت این است که ما در گذشته این حد را درباره افراد عادی اجرا می‌کردیم؛ ولی در مورد ثروتمندان و

این آیه شریفه با صراحت می‌فرماید که اگر کسانی از طریق رشوه در دادگاه، حاکم شوند، مال مورد نزاع بر آنها حرام خواهد بود و حاکمیت ظاهری در دادگاه، اموال را حلال نمی‌کند.

همچنین خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّخْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَصْرِوْكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» «آنها بسیار به سخنان تو گوش می‌دهند تا آن را تکذیب کنند. مال حرام فراوان می‌خورند. اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن یا اگر صلاح بود از آنان دوری کن [و آنها را به حال خود واگذار] و اگر از آنها صرف‌نظر کنی، به تو زبانی نمی‌رسانند و اگر میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن که خدا عادلان را دوست دارد»

درباره شأن نزول این آیه شریفه، روایات متعددی وارد شده که از همه روشن‌تر، روایتی است از امام باقر علیه السلام که خلاصه‌اش چنین است: «یکی از اشراف یهود خیبر که دارای همسر بود، با زن شوهرداری که او هم از خانواده‌های سرشناس خیبر محسوب می‌شد، عمل منافی عفت انجام داد. یهودیان از اجرای حکم تورات (سنگسار کردن) در مورد آنها ناراحت بودند و به دنبال راه حلی می‌گشتند که آن دو را از حکم مزبور معاف سازند و در عین حال پایبند بودن خود را به احکام الهی نشان دهند. این بود که به هم مسلمانان خود در مدینه پیغام فرستادند که حکم این حادثه را از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بپرسند تا اگر در اسلام حکم سبک‌تری بود، آن را انتخاب کنند و در غیر این صورت، آن را نیز به دست فراموشی بسپارند و شاید از این طریق می‌خواستند توجه

سحت به معنای پوستی است که کنده می‌شود.... سَحَتْ و اُسْحَتْ هر دو به معنای متعدی «هلاک کردن» استعمال می‌شوند و سحت که به معنای کار حرامی است که باعث ننگ صاحب آن است و نیز از همین باب، یعنی متعدی است، که گویا دین و شرافت او را از بین می‌برد.

«أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ» یعنی چیزی که دینشان را از بین می‌برد، می‌خورند و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر گوشتی که از سحت یا حرام برآید، آتش بدان سزاوارتر است. رشوه نیز سَحَتْ نامیده شده است. پس هر مالی که از حرام به دست می‌آید، سحت نام دارد و سیاق این آیه شریفه می‌رساند که منظور از سحت، همان رشوه است و با ذکر این ویژگی، روشن است که علمای یهود، گروهی از خود را به نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرستادند، و آنان در این بین رشوه‌ای گرفته بودند تا حکم خدا را تغییر دهند و چون ممکن بود حکم آنان باعث ضرر بعضی از آنها گردد، با رشوه دادن جلو ضرر خود را گرفتند.

عمار بن مروان از امام باقر (علیه السلام) پرسید: «سحت» چیست؟ حضرت فرمود: مقصود رشوه است. آن گاه پرسید: آیا مقصود رشوه در حکم و قضاوت است؟ حضرت فرمود: «آن که کفر به خداست.»

در کتاب «در المنثور» از حضرت علی (علیه السلام) از معنی «سحت» سؤال شد، فرمود: «مقصود رشوه است.»

در آیه ۲۹ سوره نساء نظیر آیه اول (۱۸۸ بقره) آمده است، در آنجا می‌خوانیم: «غیر آنچه از طریق تجارت مشروع و صحیح بدست می‌آورید مصرف نکنید.»

اشراف خودداری می‌نمودیم. این بود که گناه مزبور در طبقات مرفه جامعه ما رواج یافت تا اینکه پسر عموی یکی از رؤسای ما مرتکب این عمل زشت شد و طبق معمول از مجازات او صرف‌نظر کردند. در همین اثنا یک فرد عادی مرتکب این کار گردید. هنگامی که می‌خواستند او را سنگباران کنند، خویشان او اعتراض کردند و گفتند: اگر بنا هست این حکم اجرا بشود، باید در مورد هر دو اجرا بشود؛ به همین جهت، ما نشستیم و قانونی سبک‌تر از قانون سنگسار کردن تصویب نمودیم و آن این بود که به هر یک چهل تازیانه بزنیم و روی آنها را سیاه کرده و وارونه سوار مرکب کنیم و در کوچه و بازار بگردانیم. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که آن مرد و زن را در مقابل مسجد سنگسار کنند. و فرمود: خدا یا! من نخستین کسی هستم که حکم تو را زنده نمودم، بعد از آنکه یهود آن را از بین بردند.»

در فقه القرآن قطب الدین راوندی درباره سَحَتْ روایات فراوانی ذکر شده و در همه آنها، رشوه یکی از مصادیق سَحَتْ بیان گردیده است. از جمله در ذیل این آیه شریفه: «أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ» با اشاره به مصادیق متعدد «سحت» در روایات، که یکی از آنها رشوه است، می‌نویسد: «وَالْأَلَايَةُ تَذَلُّ عَلَى جَمِيعِ ذَلِكَ بَعْمَوْمِهَا؛ آیه، همه این موارد را در بر می‌گیرد.» بنابر این، واژه سحت عام بوده و همه مصادیق مذکور در روایات، از جمله رشوه را شامل می‌شود.

علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر گرانسنگ «المیزان» در ذیل آیه شریفه «سَمَاعُونَ لِّلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلْسُّحْتِ»، «درباره مفهوم «سحت» می‌فرماید: «در «مفردات راغب»

روایت دیگر روایت صیرفی از حفص اعور است که به امام اَبَا الْحَسَنِ علیه السلام می‌گوید: ما به کارمندان خلیفه برای حفظ اموال خود رشوه می‌دهیم ... فَنَرِشُوهُ حَتَّى لَا يَظْلِمَنَا فَقَالَ لَا بَأْسَ مَا تُصَلِّحُ بِهِ مَالِكَ فرمود: کاری که برای حفظ و اصلاح مال خود انجام دادی، اشکالی ندارد. ثُمَّ سَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ إِذَا أَنْتَ رَشَوْتَهُ يَأْخُذُ أَقْلَ مَنْ الشَّرْطِ قُلْتَ نَعَمْ قَالَ فَسَدَّتْ رِشْوَتُكَ

آنگاه امام پس از ساعتی سکوت گفت: هنگامی که رشوه می‌دهی، کمتر از شرط و قراری که کرده‌ای از تو می‌گیرند، گفتم: آری. فرمود: رشوه‌ها فاسد شد؛ یعنی این رشوه حرام است.

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): الرّاشي و المرتشي في النار. (الراشي و المرتشي كلاهما في النار.)

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: رشوه دهنده و گیرنده در آتشند.

عن النبي (صلى الله عليه و آله و سلم): انه قال: لعن الله الرّاشي و المرتشي و ما بينهما يمشي.

از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: خداوند، رشوه دهنده و رشوه‌گیرنده و کسی را که میان آن دو راه می‌رود، لعنت کرده است.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: لعنة الله على الرّاشي و المرتشي

لعنت خدا بر رشوه ده و رشوه گیر باد.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: إِيَّاكُمْ وَ الرِّشْوَةَ فَإِنَّهَا مَحْضُ الْكُفْرِ وَ لَا يَشْمُ صَاحِبُ الرِّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ

این آیه شریفه با صراحت می‌گوید: اگر کسانی از طریق رشوه در دادگاه، حاکم شوند، مال مورد نزاع بر آنها حرام خواهد بود، و حاکمیت ظاهری در دادگاه، اموال را حلال نمی‌کند، این حقیقت که با حاکمیت ظاهری در دادگاه، کسی مالک واقعی اموال مردم نمی‌شود، در حدیثی با صراحت از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است:

«من بشری هستم همچون شما (و مامورم از طریق ظاهر میان شما قضاوت کنم) نزاعی نزد من مطرح می‌شود، شاید بعضی در اقامه دلیل از دیگری نیرومندتر باشد و من به مقتضای ظاهر دلیلش به سود او قضاوت کنم، اما بدانید چنانچه من حق کسی را برای دیگری قضاوت کردم، آن قطعه‌ای است از آتش، اگر آتش می‌خواهد آن را تصرف کند و گرنه آن را رها سازد».

۲- مقابله با رشوه در روایات

قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْبَخْسِ فَقَالَ هُوَ الرِّشْوَا فِي الْحُكْمِ. از امام صادق (ع) راجع به معنی بخرس سؤال شد حضرت، فرمود: همان رشوه است.

روایت یوسف بن جابر است که می‌گوید: قال ابو جعفر (ع) قَالَ لَعْنُ رَسُولُ اللَّهِ ص ... وَ رَجُلًا أَحْتَاغُ النَّاسَ إِلَيْهِ لِيَقْفَهُمْ فَسَأَلَهُمُ الرِّشْوَةَ

یعنی پیامبر اسلام (ص) سه طایفه را لعنت کرده است... و ۳- آن که مردم به علم او نیاز داشته باشند و او از مردم رشوه بخواهد.

در خصال صدوق از عمار بن مروان نقل شده است: و السحت انواع كثيرة و... و اما الرشاء في الحكم يا عمار فهو الكفر بالله العظيم.

الْمُرْتَشِي وَالْمَاشِي بَيْنَهُمَا مَلْعُونُونَ

رشوه دهنده و رشوه گیرنده و کسی را که میان آن دو راه می رود، ملعونند.

امام رضا علیه السلام فرمود: لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ وَالْمَاشِيَّ بَيْنَهُمَا وَقَالَ إِيَّاكُمْ وَالرِّشْوَةَ فَإِنَّهَا مَحْضُ الْكُفْرِ وَلَا يَشْمُ صَاحِبُ الرِّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ

خدا لعنت کند رشوه گیر و رشوه پرداز و کسی را که دلال میان آنها است؛ از رشوه گرفتن دوری کنید که این کار بمنزله کفر محض است و شخص رشوه خوار از رحمت خدا بدور می باشد و بوی بهشت را نمی تواند استشمام کند.

امام صادق علیه السلام فرمود: السُّحْتُ أَنْوَاعٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا مَا أُصِيبَ مِنْ أَعْمَالِ الْوَلَاةِ الظُّلْمَةُ وَمِنْهَا أَجُورُ الْقَضَاءِ وَأَجُورُ الْفُجَاجِرِ وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ وَ التَّبِيدُ الْمُسْكِرِ وَ الرَّبَا بَعْدَ الْبَيْتَةِ فَأَمَّا الرِّشَا يَا عَمَّارُ فِي الْأَحْكَامِ فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بَرَسُولِهِ

کسب حرام اقسام زیادی دارد، از جمله آنها مالی است که از عاملان حکومت های ستمگر گرفته شود و از جمله آنها مزدهای قضاوت و مزدهای زناکاران و بهای شراب و نبیذ مستی آور و ربا که با شاهد ثابت شود. ای عمار اما رشوه گرفتن در احکام، کفر به خدای بزرگ و پیامبر اوست.

امام صادق علیه السلام فرمود: مِنْ أَكَلِ السُّحْتِ الرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ أَزْجَمُهُ حَرَامٌ خَوَارِي رَشْوَةٌ فِي حُكْمٍ وَ قِضَاوَتٍ اسْت.

امام علی علیه السلام در بخشی از

از رشوه پرهیزید که کفر خالص است و صاحب رشوه بوی بهشت را نمی شنود.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله و سلم) فِي الْوَصِيَّةِ لِعَلِيٍّ ع يَا عَلِيُّ مِنَ السُّحْتِ ثَمَنُ الْمَيْتَةِ وَ ثَمَنُ الْكَلْبِ وَ ثَمَنُ الْخَمْرِ وَ مَهْرُ الزَّانِيَةِ وَ الرِّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ.

پیامبر خدا (ص) فرمود: ای علی! درآمد حاصل از فروش مردار، سگ، شراب، زنا و رشوه یکسان و حرام است.

پیامبر خدا (ص) فرمود: أخذ الأمير الهدية سحت، و قبول القاضي الرشوة كفر

هدیه گرفتن امیر حرام و رشوه پذیرفتن قاضی به منزله کفر است.

شاعری بااستفاده از حدیث فوق چنین سروده است:

هدیت ستاند چو فرمانروای
هر آن چیز باشد بود ناروای
ولی قاضی ار رشوه گیرد ز کس
همینش دلیل است بر کفر و بس

امام رضا علیه السلام فرمود: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى أَلَا لَوْنٌ لِّلْسُحْتِ قَالَ هُوَ الرَّجُلُ يَقْضِي لِأَخِيهِ الْحَاجَةَ ثُمَّ يَقْبَلُ هَدِيَّتَهُ

امام رضا علیه السلام فرمود پدرم از امیرمؤمنان علی سلام الله علیه درباره آیه شریفه [أَلَا لَوْنٌ لِّلْسُحْتِ]؛ «خورندگان حرام اند». آورده است که فرمود: حرام خوار کسی است که برای برادرش کاری انجام می دهد و آن گاه هدیه اش را می پذیرد»

امام رضا علیه السلام فرمود: الرَّاشِي وَ

قیامت از او و نیازمندیهایش پوشیده خواهد ماند. و اگر هدیه قبول کند خیانت (و سرقت) کرده است، و اگر رشوه بگیرد مشرک است.

امام علی علیه السلام در نامه به مالک اشتر یکی از راههای جلوگیری از رشوه خواری قاضی را چنین بیان می‌دارد: «پس از انتخاب قاضی هر چه بیشتر در قضاوت‌های او بیندیش و آنقدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد و از نظر مقام و منزلت آن قدر او را گرمی دار که نزدیکان تو به نفوذ در او طمع نکنند تا از توطئه آنان در نزد تو در امان باشد»

معاذبن جبل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌کند که فرمود: «اگر کسی به شما عطیه و ارمغانی داد، مادامی که عطیه به شمار رفت، یعنی در دادنش جز ثواب طمعی نداشت، گرفتن آن حلال است و اما اگر اسمش عطیه باشد ولیکن در واقع رشوه ای بود که آن را به طمع دین شما به شما داده اند، در آن صورت گرفتن آن حرام است اگرچه ممکن است این رشوه، فقر شما را از بین ببرد و یا شما را از ترس دشمن ایمنی دهد، با این همه با آن فقر و در آن ترس بسر ببرید و راضی نشوید که رشوه، دین شما را تباه سازد.»

در زبان رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خیانت و عملی حرام بیان شده است: (هَدِيَّةُ الْأَمْرَاءِ غُلُولٌ).

سماعه از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که فرمود: «الرشا فی الحکم هو الکفر بالله»؛ رشوه در قضاوت کفر به خداوند است.

از مجموع این روایات استفاده می‌شود

خطبه ۱۳۱ که بیانگر شرایط رهبر اسلامی است، می‌فرماید: «و لَا الْمُرْتَشِي فِي الْحُكْمِ فَيَذْهَبَ بِالْحَقِّ وَ يَقِفَ بِهَا دُونَ الْمَقَاطِعِ وَ لَا الْمَعْطَلِ لِلْسِنَّةِ فَيَهْلِكَ الْأُمَّةُ»

«و رشوه‌خوار در قضاوت نمی‌تواند امام باشد زیرا برای داوری با رشوه گرفتن، حقوق مردم را پایمال و حق را به صاحب آن نمی‌رساند.»

در نهج البلاغه نیز از قول امیرمومنان علی علیه السلام، سخنانی در نگوئش و تحریم رشوه نقل شده است، از جمله این خطبه که به نقل از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

« وَ يَسْتَحِلُّونَ حَرَامَهُ بِالشُّبُهَاتِ الْكَاذِبَةِ وَ الْأَهْوَاءِ السَّاهِيَةِ فَيَسْتَحِلُّونَ الْخُمَرَ بِالْبَيْدِ وَ السُّحْتِ بِالْهَدِيَّةِ وَ الرَّبَا بِالْبَيْعِ.»

پس محرّمات الهی را با شبهات دروغین و امیال انحرافی خود حلال می‌شمارند، پس شراب را به نام نبیذ می‌خورند، رشوه را به نام هدیه و ربا را به نام معامله حلال می‌پندارند.

روایاتی داریم مبنی بر این که به طور کل هدایایی که به والی یا عمال و کارگزاران حکومت داده می‌شود، سحت و حرام است. از قبیل روایت اصبع بن نباته الامام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَيُّمَا وَالٍ اخْتَجَبَ عَنِ حَوَائِجِ النَّاسِ اخْتَجَبَ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ عَنِ حَوَائِجِهِ وَ إِنْ أَخَذَ هَدِيَّةً كَانَ غُلُولًا وَ إِنْ أَخَذَ الرِّشْوَةَ فَهُوَ مُشْرِكٌ.»

امام علی علیه السلام: هر والی که خود را برای برنیارندن نیازمندیهای مردمان پوشیده بدارد، خدا در روز

گرفتن برای ابطال حق و رسیدن به یک هدف غیرقانونی و نامشروع صورت می‌پذیرد، عقل سلیم به طور مستقل به قباح و زشتی آن پی می‌برد؛ زیرا درک حسن و قبح افعال، عقلی است؛ بنابر این، عقل خوبی عدل و بدی و زشتی ظلم را اصالتاً درک می‌کند. بر این اساس عقل می‌تواند حرمت رشوه را نیز بفهمد؛ زیرا رشوه جز در موارد خاص، از مصادیق ظلم و جور و تجاوز به حقوق دیگران است.

وقتی که حاکم و یا هر کارگزار دیگری حق کسی را به واسطه دریافت رشوه ضایع می‌کند، یعنی به او ظلم می‌کند، عقل سلیم قباح و زشتی این عمل (ظلم) را به روشنی درک می‌کند؛ بنابر این، درک قباح رشوه قبل از اینکه یک امر شرعی باشد، یک مسئله عقلی است.

بر همین اساس است که علمایی چون مقدس اردبیلی از عقل به عنوان دلیل مستقل بر حرمت رشوه یاد کرده اند؛ چنان که در کتاب «مجمع الفائدة والبرهان» آمده است: «دَلِيلُهُ الْعَقْلُ وَالنَّقْلُ كِتَابًا وَاجْمَاعًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَسُنَّةً؛ علت حرمت رشوه را می‌توان از عقل و نقل از حیث قرآن و اجماع مسلمین و سنت استفاده نمود.» موسوی سبزواری در «مذهب الاحکام» نیز رشوه را از مصادیق بارز ظلم دانسته و می‌نویسد: «وَيَدُلُّ عَلَيَّ قَبْحَهُ حُكْمُ الْعَقْلِ اَيْضًا لِأَنَّهُ مِنَ الظُّلْمِ فَالِدَلَّةُ الْأَرْبَعَةِ دَالَّةٌ عَلَيَّ حُرْمَتِهَا؛ حکم عقل نیز بر قباح رشوه دلالت می‌کند؛ زیرا از مصادیق ظلم است، پس ادله اربعه بر حرمت آن دلالت دارد.»

که رشوه در آیین مقدس اسلام، ورشوه در قضاوت علاوه بر حرمت و عقاب اخروی، به مثابه کفر و شرک به خدا تلقی می‌شود.

۳- موضوع رشوه و نظریه اجماع علما

دلیل دیگری که بسیاری از فقیهان در اثبات حرمت رشوه به آن استناد کرده‌اند، اجماع همه فرقه‌های اسلامی - اعم از شیعه و سنی - است. البته می‌توان گفت با وجود دلیل کتاب و سنت، تمسک به اجماع تنها به عنوان مؤید است، نه دلیل مستقل که اصطلاحاً به این نوع اجماعات، اجماع مدرکی گفته می‌شود؛ اما از آنجایی که برخی از بزرگان فقها به آن استناد کرده‌اند، به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

محقق کرکی در «جامع المقاصد» می‌نویسد: «أَجْمَعَ أَهْلُ الْإِسْلَامِ عَلَيَّ تَحْرِيمِ الرَّشَا فِي الْحُكْمِ؛ مسلمانان در حرمت رشوه در حکم، اجماع کرده‌اند.»

سید محمد جواد عاملی صاحب مفتاح الکرامة در این باره می‌فرماید: «وَيَحْرِمُ الرَّشَا فِي الْحُكْمِ... بِاجْتِمَاعِ الْمُسْلِمِينَ كَمَا فِي جَامِعِ الْمَقَاصِدِ وَقَضَا وَ الرُّوْضَةِ وَ حَاشِيَةِ الْإِرْشَادِ وَ هِيَ سُحَّتْ رَوَايَاتٍ فِرَاوَانِي دِلَالَتِ دَارِدٍ بَرِ اَيْنَكِه رَشْوِه «سحت» است.»

بِلاَ خِلَافٍ كَمَا فِي الْمُنْتَهَى؛ رشوه در حکم... به اجماع مسلمانان حرام است؛ همان طوری که در «جامع المقاصد» و «قضا» و «روضه» و «حاشیه ارشاد» ذکر شده است و آن بدون هیچ اختلافی سحت است.»

۴- مقابله با رشوه از منظر عقل

با توجه به اینکه معمولاً رشوه‌دادن و



حکم پرداخت رشوه

الخمينی، ج ۲، ص ۹۸۳).

در حرمت پرداخت رشوه دادن فرقی بین پرداخت مستقیم یا پرداخت با واسطه نیست؛ چرا که در حدیث مذکور واسطه در پرداخت نیز مانند رشوه دهنده و رشوه گیرنده مورد لعنت است. (نوری، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۵۵، چاپ اول، مؤسسه آل البيت، قم، بیروت، ۱۴۰۸؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۴۱۲، نرم افزار جامع فقه اهل بیت.)

همچنین پرداخت رشوه و گرفتن آن جایز نیست هر چند باعث ایجاد مشکل و زحمت برای دیگران نشود، چه رسد به موردی که بدون استحقاق، باعث ایجاد مزاحمت برای دیگران شود. (توضیح المسائل المحشی، ج ۲، ص ۹۸۳، اجوبه الاستفتات ص ۲۷۴)

بنابراین چه وکیل از مال موکلش رشوه دهد یا خود صاحب مال رشوه دهد حرام خواهد بود مگر در صورتی که احقاق حق موکل منحصر به دادن رشوه باشد که در این صورت، جزء استثنائات به حساب آمده و حرام نخواهد بود.

درباره حکم رشوه باید گفت: پرداخت کردن و دریافت کردن رشوه حرام است (امام خمینی، توضیح المسائل المحشی، ج ۲، ص ۹۱۳، چاپ هشتم، جامعه مدرسین قم، سال ۱۴۲۴ ق؛ بهجت، محمد تقی، جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۱۲، چاپ اول، بی ناشر، قم، بی تا؛ خامنه ای، سید علی، اجوبه الاستفتات، ص ۲۷۳)

و در حرمت گرفتن رشوه فرقی نمی کند چه از فرد مسلمان آن را بگیرند و یا از فرد کافری که مال او محترم است (توضیح المسائل المحشی از امام خمینی، ج ۲، ص ۹۱۳) و اگر کسی به عنوان رشوه چیزی را از دیگری بگیرد مالک آن نخواهد شد و واجب است که مال گرفته را به صاحب آن برگرداند (همان و اجوبه الاستفتات، ص ۲۷۳) و حق ندارد در آن مال تصرف کند. (اجوبه الاستفتات، ص ۲۷۳)

اما تنها در یک صورت پرداخت رشوه مجاز است و آن در جایی است که فردی صاحب حق باشد، ولی برای به دست آوردن حق خویش هیچ راهی جز پرداخت رشوه نداشته باشد. اما حتی در همین صورت هم، گرفتن رشوه برای طرف مقابل جایز نیست و از حرمت خارج نمی گردد. به عبارت دیگر، رشوه گرفتن در تمام صورت ها حرام است چه برای احقاق حق، و چه برای ابطال باطل و چه برای احقاق باطل و چه برای ابطال حق (توضیح المسائل المحشی الامام



فتوای مراجع تقلید پیرامون رشوه

آفت است. امروزه هر فردی به خوبی فرق رشوه و دستمزد و اجرت را می‌داند. رشوه، مالی است که اشخاص از روی ناچاری و درماندگی و گاهی از سر ترس یا فرار از قانون و یا برای پایمال کردن حق دیگران و بردن نفع و سود و ... به شخصی که در مسند قدرت است و یا توانایی انجام کاری را دارند، می‌دهند. مشخص است که هیچ شخصی بی خود و بی جهت به کسی، از مال خود بذل و بخشش نمی‌کند و همه افراد فرق بین هدیه و کارمزد و اجرت و رشوه را بخوبی می‌داند.

استفتائات کاربردی و صریح در کسب‌های حرام (رشوه)

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) - اجوبه الاستفتائات

سؤال ۱۲۴۲. بعضی از مشتریان بانک برای انجام سریع کارهایشان و دریافت خدمات بهتر، اموالی را به کارمندان بانک می‌بخشند، با توجه به این‌که اگر کارمندان بانک آن کارها را برای آنان انجام ندهند، چیزی به آنان نمی‌دهند، آیا در این حالت، گرفتن آن مال جایز است؟

پاسخ: جایز نیست کارمندان در برابر انجام کار مشتریان که برای آن استخدام

آیات عظام امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و نوری همدانی: پرداخت پول یا اموالی، از سوی مراجعه کننده، به کارمندان اداره‌ها - که وظیفه ارائه خدمات به مردم را دارند - منجر به فساد اداره‌ها خواهد شد که از نظر شرعی حرام است. گرفتن آن بر دریافت کننده نیز حرام است و حق تصرف در آن را ندارد. (امام، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب القضا، م ۶؛ فاضل، جامع‌المسائل، ج ۱، س ۹۷۲؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۶۶۴ و ۶۶۵؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۵۴۰؛ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۲۴۶ و ۱۲۴۷؛ بهجت، توضیح‌المسائل، متفرقات، م ۱۶)

رشوه حرام است. دریافت کردن و پرداخت کردن رشوه حرام است. دریافت و پرداخت رشوه در هر صورت و هر شرایطی، به هر شکل و عنوانی، توسط هر شخص حقیقی و حقوقی، به هر میزان و مبلغی، به هر دلیل و مدرکی، در هر شرایط و موقعیتی، با هر هدف و قصدی، در هر جا و مکانی، حرام است و هر دو گناهکار و مجرم هستند و هر فردی هم که از این موضوع آگاه است و ساکت می‌نشیند، گناهکار و شریک و مجرم است.

آری از نظر اسلام رشوه تحت هر شرایطی حرام است. و کاملاً روشن و واضح است که رشوه در قضاوت و یا سایر امور منفور و برای افراد و جامعه اسلامی

سؤال ۱۲۴۵. هدایا اعم از نقدی، خوراکی و غیره که توسط ارباب رجوع با رضایت و طیب خاطر به کارمندان دولت داده می‌شوند، چه حکمی دارند؟ و اموالی که به صورت رشوه به کارمندان داده می‌شوند اعم از این که بر اثر توقع انجام کاری برای پرداخت کننده باشد یا خیر، چه حکمی دارند؟ و اگر کارمند بر اثر طمع به دریافت رشوه، مرتکب عمل خلاف قانون شود، چه حکمی دارد؟

پاسخ: بر کارمندان محترم واجب است که رابطه آنان با همه مراجعه‌کنندگان براساس قوانین و مقررات و ضوابط خاص اداره باشد و قبول هرگونه هدیه‌ای از مراجعه‌کنندگان به هر عنوانی که باشد برای آنان جایز نیست زیرا باعث فساد و سوءظن به آنان و تشویق و تحریک افراد طمع‌کار به عمل نکردن به قانون و تضییع حقوق دیگران می‌شود. اما رشوه، مسلم است که برای گیرنده و دهنده آن، حرام است و واجب است کسی که آن را دریافت کرده به صاحبش برگرداند و حق تصرف در آن را ندارد.

سؤال ۱۲۴۶. گاهی مشاهده می‌شود که بعضی از اشخاص از مراجعه‌کنندگان در برابر انجام کارشان تقاضای رشوه می‌کنند، آیا پرداخت رشوه به آنان جایز است؟

پاسخ: هیچ‌یک از مراجعه‌کنندگان به ادارات حق ندارند برای انجام کار خود پول یا خدمتی را به‌طور غیرقانونی به کارمند اداری که مکلف به خدمت به مراجعین است، ارائه دهند، همچنین کارمندان ادارات هم

شده‌اند و در برابر آن هر ماه حقوق دریافت می‌کنند، از مشتریان چیزی بگیرند و همچنین مشتریان بانک نباید کارمندان را در برابر انجام کارهایشان با پول نقد یا غیر آن تطمیع کنند زیرا این کار مستلزم فساد است.

سؤال ۱۲۴۳. بعضی از مشتریان بانک براساس عادات رایج به کارمندان عیدی می‌دهند و اعتقاد دارند که اگر این هدیه را ندهند کارهایشان به شکل مطلوب انجام نمی‌شود، حکم این کار چیست؟

پاسخ: اگر این هدایا منجر به تبعیض در انجام خدمات بانکی به مشتریان شود و در نهایت باعث فساد و از بین رفتن حقوق دیگران گردد، مشتریان نباید آن هدایا را به کارمندان بدهند و کارمندان هم حق گرفتن آن‌ها را ندارند.

سؤال ۱۲۴۴. چنانچه فردی از باب تشکر و قدردانی از کارمند، هدیه‌ای به او اهداء کند، حکمش چیست؟ هر چند آن کارمند بدون هیچ‌گونه چشم داشتی، کاری را انجام داده باشد؟

پاسخ: هدیه در محیط کار و از جانب ارباب رجوع، یکی از خطرناک‌ترین چیزها است و هر چه بیشتر از آن اجتناب کنید، به صرفه دنیا و آخرت شما، خواهد بود. فقط در یک صورت، دریافت آن جایز است و آن، این است که هدیه دهنده، با اصرار زیاد و با امتناع مأمور از قبول، بالاخره به نحوی آن را اهداء کند. آنهم بعد از انجام کار و بدون مذاکره و حتی توقع قبلی.

که مکلف به ارائه خدمات اداری به مردم هستند، و حتماً منجر به فساد ادارات خواهد شد، عملی است که از نظر شرعی حرام محسوب می‌شود و توهم اضطراب، مجوز او در انجام این کار نیست.

سؤال ۱۲۴۹. قاچاقچیان به بعضی از کارمندان مبالغی پول در برابر چشم‌پوشی آنان از مخالفت و نقض قانون پرداخت می‌کنند و در صورتی که کارمند درخواست آنان را قبول نکند تهدید به قتل می‌شود. در این صورت کارمند چه وظیفه‌ای دارد؟

پاسخ: دریافت هرگونه مبلغی در برابر تغافل و چشم‌پوشی از اعمال خلاف قانون قاچاقچیان جایز نیست.

سؤال ۱۲۵۰. مدیر بخش مالیات از مأمور محاسبه کننده درخواست نموده است که از میزان مالیات یکی از شرکت‌ها مقداری کم نماید، با توجه به این‌که اگر از این کار امتناع بورزد، مشکلات و گرفتاری‌های سختی برای او پیش خواهد آمد، آیا اطاعت از دستور مدیر توسط مأمور مذکور در چنین مواردی واجب است؟ و آیا می‌تواند در برابر اجرای این دستور پولی را دریافت کند؟

پاسخ: در این‌گونه امور باید مطابق ضوابط و مقررات قانونی عمل شود و تخلف از آن جایز نیست. اعم از این‌که رایگان باشد یا در مقابل گرفتن وجه.

که از نظر قانونی موظف به انجام کار مردم هستند، حق ندارند هیچ‌گونه مبلغی را به‌طور غیرقانونی در برابر انجام کار مراجعه‌کنندگان درخواست و یا دریافت کنند و جایز نیست در این مال تصرف نمایند، بلکه باید آن را به صاحبانش باز گردانند.

سؤال ۱۲۴۷. پرداخت رشوه برای گرفتن حق با توجه به این‌که گاهی برای دیگران مشکل ایجاد می‌کند مثلاً باعث مقدم شمردن صاحب حق نسبت به افراد دیگر می‌شود، چه حکمی دارد؟

پاسخ: پرداخت رشوه و گرفتن آن جایز نیست هرچند باعث ایجاد مشکل و زحمت برای دیگران نشود، چه رسد به موردی که بدون استحقاق، باعث ایجاد مزاحمت برای دیگران شود.

سؤال ۱۲۴۸. اگر شخصی برای انجام کار قانونی خود مجبور به پرداخت مبلغی به کارمندان یکی از ادارات شود تا کار قانونی و شرعی او را به راحتی انجام دهند زیرا اعتقاد دارد که اگر این مبلغ را نپردازد، کارمندان آن اداره کار او را انجام نخواهند داد، آیا عنوان رشوه بر این مبلغ صدق می‌کند؟ و آیا این عمل حرام است یا این‌که اضطراری که باعث پرداخت آن برای انجام کار اداری او شده، عنوان رشوه را از آن بر می‌دارد و در نتیجه حرام نخواهد بود؟

پاسخ: پرداخت پول یا اموال دیگر از طرف فرد مراجعه‌کننده به کارمندان ادارات



مثالهای طنز در برخوردهای روزمره در توجیه دریافت و پرداخت رشوه

جناب سرباز و سرکار و سروان و... بپردازید تا قلم مبارک را کمی سریع تر روی کاغذ بلغزانند و مراحل تنظیم سرقت انجام شده از منزل شما را کمی سریع تر انجام دهند و یا برای تسریع در امر یافتن مال و سارق مال خود، می توانید مبلغ بیشتری را به تمام خدم و حشم مربوط و غیر مربوط پرداخت نمایید تا در اوقات کاری و غیر کاری به دنبال سارق اموال شما باشند!! هیچ نگران نباشد این رشوه حرام نیست چرا که فقط برای رسیدن به حق خود، مبلغی را به عنوان هدیه، کارمزد، مشتلق و ... پرداخت کرده اید!!

جنابان محترم هم نگران نباشد پول مورد نظر حلال حلال است، شما در ازای دریافت پول، کار اضافی انجام می دهید و به نوعی اضافه کاری محسوب می شود!!

شما کارمندان محترم هم خیالت راحت! مبلغی را که دریافت کرده اید جهت فعالیت بیشتر شما است و زمانی که فعالیت بیشتر انجام می دهید، مستحق دریافت پاداش هم هستید که این پاداش را شخص مورد نظر با میل و رضا پرداخت کرده است!!

اگر برای دریافت وام از بانکی دچار مشکل شدید مثلا ضامن معتبر نداشتید یا وثیقه مورد نظر ارزشی کمتر از وام مربوطه داشت و ... می توانید با پرداخت مبلغی به رئیس یا کارمندان بانک از آنها بخواهید که

اگر در مواردی هنگام رانندگی مستحق جریمه شدید، می توانید جهت تسریع امور و صرفه جویی در وقت و هزینه، جریمه را به صورت نقدی به مامور محترم پرداخت نماید که انشالله این مبلغ سریعتر به دست سازمان مربوطه برسد!! هیچ نگران نباشد فقط برای صرفه جویی و تسریع امور مبلغ جریمه را نقدی و در محل پرداخت کرده اید!!

شما دوست عزیز هم نگران نباشید، می توانید مبلغ را در جیب خود گذاشته و در حین ماموریت جهت انجام وظیفه بهتر خرج کنید!!

اگر در اداره ای کار شما انجام نمی شد و یا کارمندان به آهستگی وظیفه خود را انجام می دادند با نشان دادن و پرداخت یک تراول پانصد هزار ریالی آنها را به تحرک و فعالیت وا دارید که انشالله کار شما سریع تر انجام شود!!

هیچ نگران نباشد این رشوه حرام نیست چرا که نه به کسی ضرر زده اید نه حقی ضایع کرده اید، فقط برای سرعت دادن و تحرک بیشتر کارمندان مبلغی را پرداخت نموده اید!!

اگر کار شما در جایی مثلا نیروی محترم انتظامی گیر کرد و احساس کردید کار مربوط به شما روند کندی را دارد! می توانید جهت تسریع امور مبلغی را به

را به قضات یا مسئول دفتر و ... جهت ارائه مشاوره و راهنمایی پرداخت نماید!! به هیچ وجه نگران نباشد، این رشوه حرام نیست چرا که به کسی ضرر نرساند، فقط برای دریافت مشاوره مبلغی را پرداخت کرده‌اید و واضح و روشن است که حق مشاوره حلال و مباح است!!

مطالب فوق اگرچه در قالب طنز مطرح شد اما واضح است که حقیقت دارد و اگر امروز شاهد این چنین رشوه‌ها و زیر میزی‌ها و هدیه‌ها و شیرینی‌ها و پول چایی‌ها و امثال این‌ها هستیم، اگر امروز رشوه همچون یک آفت بخش‌هایی از ادارات و موسسات را فرا گرفته است و چنان نفوذ کرده است که دیگر کمتر کسی به گناه و حرام بودن این عمل توجه دارد و اگر امروز شاهد این چنین مسائلی هستیم، قطعاً بدانیم که حکم قاطع و صریح اسلام را در آیات و روایات اجرا نکرده ایم.



کمی با ما کنار بیایند و وام را بدون ضامن و یا با همان وثیقه اندک به شما دهند!! نگران نباشید شما فقط ضامن نداشتید و وثیقه شما ناچیز بود که با پرداخت مبلغی آن مورد برطرف شد!! دوستان بانکدار ما هم نگران نباشند شما حقی را ضایع نکردید و پولی که دریافت کرده‌اید حق الزحمه شما بوده است!!

اگر در امور ساخت و ساز خود دچار مشکل شدید و در اتاق‌های شهرداری معلق و سرگردان بودید، می‌توانید جهت تسریع در کار خود و دریافت مشاوره و کمک، مبلغی را به یکی از افراد مسئول و یا حتی غیر مسئول (مثلاً آبدارچی) با واسطه و یا بی واسطه پرداخت نمایید تا از این بلا تکلیفی نجات پیدا کنید!! نگران نباشید این رشوه حرام نیست چرا که فقط حق الزحمه و حق مشاوره این افراد را پرداخت کرده‌اید!!

اگر بیماری در بیمارستان دارید و احساس می‌کنید پرستاران به خوبی به او رسیدگی نمی‌کنند می‌توانید با پرداخت مبلغی به پرستاران از آن‌ها خواهش کنید، مدت بیشتری را صرف بیمار شما کنند!! نگران نباشید این نوع رشوه هم حرام نیست چرا که پرستاران به همه بیماران رسیدگی می‌کنند و فقط به بیمار شما به صورت ویژه رسیدگی می‌کنند و شایسته است شما مبلغی را به او پرداخت کنید!!

یا در امور قضاوت و شخص قاضی به هیچ وجه رشوه پرداخت نشود که شدیداً حرام است!! البته در مواردی که حقی ضایع نشود و یا در قضاوت تأثیری نداشته باشد، بلامانع است. البته می‌توانید مبلغی



معاونت فرهنگی - اجتماعی
سازمان نامین اجتماعی
زمستان ۱۳۹۴